

۲۰۱۷ / ۸ / ۱۴

کاندید اکادمیسین سیستانی

امتان از داکتر کاظم بخاطر مقاله:**"بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب هلمند"****رودخانه هلمند و دورنمای شهر لشکرگاه**

داکتر سید عبدالله کاظم، محقق دانشمندان افغانستان، پس از سالها استادی در پوهنتون کابل و پس از سالها زندگی در غربت در امریکا، در این اواخر مقالات تحقیقی و تحلیلی مفصلی در 17 بخش پیرامون معاهده تقسیم آب هلمند میان افغانستان و ایران نوشته و در پورتال افغان جرمن آنلاین به نشر سپرده است، که باید گفت مقاله ایست بی نظیر و خواندن آن برای اهل تاریخ و سیاست ضروری است. نویسنده مقاله در چند جا از مقاله اش، از من حقیر با لطف و نکوئی یاد کرده و از نوشته هایم در مورد سوابق رود هلمند و حکمیت انگلیس در سیستان بحیث ماخذ نام گرفته است.

من ضمن سپاسگزاری از این دانشمند افغان، میخوام بگویم که، کار من بنابر شرایط خاص کشور و موقعیت لرزان خودم، دارای نواقص زیادی است. و علت آن این بود که در عهد سلطنت ظاهرشاهی و بعد تا سقوط حکومت داکتر نجیب الله، جستجو و تحقیق در مورد سیستان قرن 19 و چگونگی حکمیت انگلیس در سیستان و مسأله توزیع آب هلمند میان اهالی دو طرف دلتای رودخانه آنجا که مرز مشترک دو کشور را میسازد، از منابع دولتی بخصوص از وزارت خارجه، نوعی دیوانگی و بیهودگی پنداشته میشد، و بنابراین کسی از اهل قلم در افغانستان تن به خطر نداده و چیزی ننوشته اند، البته در مورد تاریخ و باستان شناسی و جغرافیای تاریخی سیستان مقالات ممتعی از جانب دانشمندان افغانی چون: مرحوم پوهاند حبیبی، مرحوم احمد علی کهزاد، مرحوم غبار، پوهاند میر حسین شاه، پوهاند علی مجذبهما، مرحوم نجیب الله تور و ایانا، مرحوم میر محمد صدیق فرهنگ و من نوشته و به نشر رسیده اند، اما بحث من بر اوضاع سیاسی و چگونگی تقسیم آن بدو بخش، و معضله توزیع آب رودخانه و مشکلات

دپایو شمیره: له 1 تر 13

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

ناشی از این ناحیه میان مردمان ساکن در دوطرف مسیر آن در دلتا، یک تابو بود و هیچکسی از اهالی قلم جرأت نمیکردند به این موضوع تماس بگیرند.

من در طول ۲۰ سال تحقیق خود در مورد سیستان، بجز رساله «کتاب سفید» (منبعی که نویسنده اش معلوم نیست و از اعتبار پائینی برخوردار است)، چیز بیشتری در کتابخانه های پایتخت کشور نیافته ام. پس مجبور بودم تا کتب نویسندگان ایرانی را ورق بزنم و هر جا که در باره سیستان مطلبی مختصر یا مفصل نوشته بودند، یاد داشت کنم. باری قبل ۱۳۵۱ش در میان یادداشت های خسر م [فتح محذکر]، چشمم به راپور کمیسیون بیطرف مصب رود هیرمند افتاد که با ولع هر چه تمامتر آنرا گرفتم و یک کاپی از روی آن بازنویسی کردم و نزد خود نگهداشتم. بدین سان بعد از بیست سال تشبث شخصی و یاد داشت گرفتنها و حفظ و مراقبت آنها، سرانجام در نیمه دوم دهه ۸۰ قرن گذشته در اکادمی علوم افغانستان برایم فرصت میسر گردید تا از تلفیق و تنظیم آن یادداشتها چهار جلد کتاب در باره تاریخ و جغرافیای تاریخی و مردم شناسی سیستان تالیف کنم و با همه کمی و کاستیها به چاپ برسانم.

من فکر میکنم که برای نخستین بار است که داکتر صاحب کاظم در مورد معاهده آب رودخانه هلمند میان افغانستان و ایران، به بررسی چنین مقاله مهم تحقیقی، تحلیلی و سیاسی، جامع پرداخته اند و بدست نشر سپردند. میتوانم از عان کنم که بجز از ایشان، چنین نوشته ای جامعی من از هیچ مورخ و نویسنده دیگر افغانی، چه منسوب به گروه های سیاسی بوده یا بیطرف، پیش از این، ندیده ام،] به استثنای کتاب روابط سیاسی افغانستان و ایران در صد سال اخیر، از آقای مژده که بنابر دستور و هدف خاصی در عهد حاکمیت طالبان از روی آرشیف های مربوط و محفوظ در وزارت خارجه تهیه شده و به هیچ وجه به پایه نوشته استاد کاظم نمیرسد]، ار این خاطر به جناب استاد کاظم مراتب تبریکات و امتنان خود را تقدیم میکنم.

هنگامی که خبر امضای معاهده تقسیم آب هلمند میان صدراعظمان افغانستان و ایران، از رادیو افغانستان پخش گردید، من در چوکات معارف ولایت هلمند خدمت میکردم. این خبر برای من بسیار خوشی آور و لذت بخش بود، زیرا فکر میکردم که به یک اختلاف صد ساله پایان داده میشود و مردم نیمروز دیگر از رنج سیلاب های بهاری رودخانه هلمند نجات خواهند یافت و دولت بعد از دادن سهمیه آب ایران، بر بقیه آبهای هیرمند سربند هایی خواهد ساخت و هزاران هکتار زمین های زراعتی و لسوالی کنگ از تخریب سیلاب های رود خروشان «شیله چرخ» نجات خواهد یافت. اما قبل از اینکه معاهده مذکور به ولسی جرگه برسد، و مورد جر و بحث و تصویب قرار بگیرد، بر ضد محتوای آن تظاهرات شدیدی از سوی گروه های سیاسی چپ و راست و مدعیان ملگرائی در شهر کابل راه اندازی شد و چنان فضایی زهر آگینی بوجود آوردند که هیچکسی از عناصر بیطرف اعم از استادان و اهل قلم و وطن پرستان غیر وابسته به جریانهای سیاسی، جرأت نمیکردند، در این مورد برخلاف فضای سیاسی بوجود آمده در افغانستان ابراز نظر کنند. زیرا اگر نظری ابراز میشد که با طرز دید گروه های سیاسی در تضاد می بود، فوراً تاپه وطن فروشی و «ایجننت» بودن «سیا» و «ساواک» بر پیشانی اش زده میشد و آن شخص دیگر نمیتوانست در برابر سیل مخالفان وابسته به گروه های سیاسی ابراز وجود کند. به همین دلیل ممکن است داکتر کاظم در آن زمان با در نظر داشت فضای زهر آلود و پر از اتهامات سیاسی نتوانسته باشد، با نوشته ای حمایت خود را از مشی حکومت موسی شفیق و تصمیم او در مورد قرارداد آب هلمند از طریق مطبوعات کشور ابراز نماید. زیرا من همواره بدنبال نوشته های بودم که در مورد سیستان و معضله آب هلمند در مطبوعات کشور به نشر میرسید. ولی من موفق به خواندن چنین نوشته ای از ایشان در آن زمان نشدم.

خوشبختانه اینک امروز بعد از گذشت ۴۴ سال از امضای آن معاهده، این فرصت به ایشان دست داده تا در یک فضای آرام و بدون دغدغه از برچسپ زدنهای میان تهی، گروه های سیاسی متأثر از

جنگ سرد، با نوشتن یک رساله ممتع و سودمند، از تصمیم ملی موسی شفیق حمایت خود را ابراز کند و نقطه نظرهای ضعیف و سست بنیاد مخالفان امضای معاهده آب را برملا نماید.

استاد کاظم در این نوشته تحقیقی خویش با شجاعت علمی و منطق توانا از تقسیم آب هلمند میان افغانستان و ایران و تعیین حبابه 22 مترمکعب آب در ثانیه بر مبنای سفارش کمیسیون بیطرف مصب هلمند و 4 مترمکعب فی ثانیه بر اساس حسن نیت شاه افغانستان به جانب ایران، در زمان حکومت موسی شفیق، حمایت نموده است.

استاد کاظم برای دفاع از مثنی موسی شفیق در موضوع امضای معاهده آب هلمند با جانب ایران، یک تعداد سوالات را مطرح کرده و جواب های را مبنی بر نوشته ها ویا مصاحبه های اشخاص ذیدخل و صاحب نظر در زمینه ارائه میکند که در مواردی خود این جوابها سوال برانگیزند. من برخی از سوالاتی را که استاد مطرح کرده با پاسخهای آنها ، اقتباس کرده ام فقط در اینجا یکی از این پرسشها را مطرح میکنم و پاسخ آنرا از زبان انجنیر میراکبر رضا میشنویم و بعد نظرم را در پایان آن می افزایم، امیدوارم برای اهل علاقه به موضوع معاهده آب هلمند و تاریخ سیستان دلچسپ باشد.

یکی از سوالات مهم استاد چنین است: «اگر معاهده در آنوقت امضاء نمی شد، چه زبانی را در آینده برای کشور پار می آورد؟» سپس پاسخ این سوال را از زبان انجنیر میراکبر رضا، رئیس کمیسیون افغانی با جانب ایران که وظیفه آماده ساختن مواد قابل بحث و تطبیق را بسود منافع ملی داشت ، ارائه میدهد:

پاسخ انجنیر میراکبر رضا ، رئیس کمیسیون معاهده آب هلمند:

استاد کاظم مینویسد: «یکی از متخصصان ورزیده افغان در امور زراعت و آبیاری انجنیر میر محمد اکبر رضا (در کابینه اول نوراحمد اعتمادی وزیر زراعت و بعد والی ولایت هلمند و رئیس عمومی پروژه انکشافی وادی هلمند و ارغنداب) که در چندین دوره مذاکرات هیئت های افغانی با جانب ایران اشتراک داشت و در تسوید نهائی معاهده آب هلمند نقش عمده بازی کرد، در 8 می 1998 طی یک مصاحبه مبسوط با رادیو 24 ساعته منتشره کالیفورنیا مطالبی مهمی را در باره اساسات حقوقی و بین المللی استفاده از آب دریا هائی که از یک کشور منبع گرفته و به کشور دیگر منتهی میشوند، بیان کرد. انجنیر رضا در این مصاحبه از سه اصل حقوقی نام برد: یکی حق استفاده یا تمتع Right of Beneficiary ، دیگر حق اولیت یا تقدم Right of Priority و بالاخره حق حاکمیت Right of Sovereignty . مقصد از حق استفاده یا تمتع مقدار آبی است که کشور پایان آب از آن استفاده میکند به عبارت دیگر هر مقدار آبی را که کشور منبع مورد استفاده قرا ندهد و آن مقدار به کشور دیگر برسد، آن کشور که پایان آب نامیده میشود، حق دارد از آن مقدار آب استفاده نماید. حق اولیت یا تقدم را کشوری دارد که آب دریا از آنجا منبع میگیرد و آن کشور حق دارد بر طبق ضرورت خود مقدار لازم آب دریای خود را مورد استفاده قرار دهد و به همین دلیل است که حق حاکمیت را بر آب خود تا حدی دارد که از آن استفاده نماید.

افغانستان با آنکه در سالهای 1950 کوشید تا با رویدست گرفتن پروژه انکشافی وادی هلمند و احداث بند کجکی در 1952 و همزمان ایجاد نهر بغرا یک مقدار آب دریای هلمند و ارغنداب (معاون هلمند) را ذخیره کند و از آن برای آبیاری و تولید برق استفاده نماید، اما این پروژه با مشکلاتی مالی مواجه شد و نتوانست طور لازم به نتیجه برسد و نیز حکومت های افغانستان قادر نشدند تا در احداث بندها و انهار و انکشاف مزید ساحات زراعتی از آنوقت تا امروز در آن منطقه موفق شوند. در مقابل

حکومت ایران توانست با اعمار بندها و ذخیره گاه های آب از یکطرف و انکشاف سریع ساحات زراعتی از طرف دیگر طی این چند دهه اخیر در سیستان انکشاف چشمگیر را براه اندازد.

داکتر کاظم در اینجا قسمت های عمده مصاحبه انجنیر رضا را به ارتباط سؤال خود اقتباس کرده مینویسد: « رودخانه های افغانستان از منابع مهم اقتصادی و اجتماعی افغانستان بشمار میروند، نه تنها از نظر سیاسی بلکه باید از این منابع ملی استفاده درست صورت گیرد. برای سالهای طولانی ما نتوانستیم از آبهای داخلی دریاهای هلمند، آمو، کابل، فراه رود و غیره استفاده لازم کنیم. دلیل عمده فقدان امکانات مالی و وسایل مورد نیاز بود که زیربنای اقتصادی عمده را برای کنترل این آبها و قابل استفاده ساختن آن به وجود بیاوریم. حتی امروز بیش از 90 فیصد جریان آب دریای آمو را ممالک اتحاد شوروی سابق مصرف میکنند. حالانکه واضح است که این حق ملی ما افغانها است و آنرا باید در داخل افغانستان مصرف میکردیم.

به همین ترتیب طی 120 سال گذشته آب افغانستان نیز بصورت وافر طرف ایران جریان داشت و آنها استفاده میکردند. و نظر به معضلات اقتصادی که ما داشتیم، متأسفانه نتوانستیم که مقدار کافی آب خود را در داخل کشور مصرف کنیم. آرزو موجود بود، ولی متأسفانه مسائل سیاسی و موضوعات بین المللی برای ما مساعد نبود و آنها کمکی نکردند تا قرضه ها و کمک هایی را در اختیار ما قرار دهند تا ما با ساختمانهای اساسی و زیر بنایی مربوطه از آب خود استفاده کرده بتوانیم.»

انجنیر رضا علاوه کرد که: « دلیل دیگر هم یک اختلاف نظر سیاسی با ایران داشتیم. لذا از نگاه روابط سیاسی که افغانستان و ایران با ممالک پیشرفته داشتند، همین مشکل برای آن کشورها مجال نمیداد که در مورد آب هلمند به افغانستان کمک کنند. حتی ملل متحد هم نتوانست در حصه مالی در پروژه هلمند و غیره با ما کمک کند. تا اندازه که امکان بود، حکومت های وقت کوشش کردند تا پروژه هایی را برای استفاده اعظمی از آب هلمند رویدست گیرند، چنانچه پروژه وادی هلمند آغاز شد، ولی هنوز هم در جهت تکمیل آن پروژه کار کافی نکردیم که تمام حقابه ملی افغانستان را بصورت مفید استعمال کنیم. برای نسل های آینده ضروریست که برای تحفظ حق ملی افغانستان و استفاده مردم افغان از آب افغانستان و تمام آبهای که ممالک همسایه به آن اشتراک دارند، استفاده اعظمی نماییم.»

انجنیر رضا در مورد استفاده از پرنسپ های حقوقی تأکید کرد و گفت که: « از نگاه حقوقی مسئله مهمی که در پیش می آید، اینست که ممالک دارا یعنی ممالک پایان آب دارا [غنی] کوشش میکنند که با استفاده از حق تمتع یعنی از آبهای ما که در افغانستان از آن استفاده کرده نمیتوانیم، آنها در توسعه اراضی و آبیاری خود استعمال میدارند و تثبیت حق اولیت استفاده را قایم میکنند که به این ترتیب مراجع حقوقی و محکمه های بین المللی به این روحیه به آنها کریدت و امتیاز میدهند که در آنوقت ما حق نخواهیم داشت که اب را دوباره کنترل کنیم، زیرا آنها ادعا میکنند که یک کتله بشری را که آنها به این آب ضرورت دارند و در آنجا مسکون میباشند، شما نمی توانید حیات آنها را با قطع کردن مقدار آب و یا کم کردن آن به خطر مواجه سازید.»

انجنیر رضا تصریح کرد که: « لذا انکشاف وسیع استعمال آبهای ملی حتمی و ضروریست و یا با موجودیت معاهدات قاطع که حق ملی افغانستان را برای همیشه حفظ کند، باید اقدام کرد. بنابراین ما اقدام کردیم که بصورت ممکن یک معاهده قطعی را با ایران منعقد کنیم، زیرا ادامه وقت به نفع افغانستان نبود. **به دلیل اینکه ایران مملکت دارا [غنی] بود، میتوانست که سطح کشت خود را در سیستان بیشتر توسعه دهد و در این حال آب زیاد را مصرف کند و حق اولیت استعمال آب را برای سیستان ادعا کند که باز ما نمیتوانستیم در هیچ محکمه بین المللی اقامه دعوا کنیم و نمیتوانستیم با**

کم کردن مقدار آب حیات یک کتله بشری را که زندگی شان به آن آب بسته بود، از این حق محروم سازیم. »

انجنیر رضا از عان داشت که «به این دلیل کوشش شد که معضله 120 ساله آب را تا جائیکه ممکن بود و در قدرت و توان حکومت‌های افغانستان بود، زودتر فیصله کنیم و یک اندازه مشخص را به حیث حقابه به جانب ایران تثبیت کنیم که بیشتر از آن حق مطالبه آب را کرده نتوانند. و در اینکار تلاش بعمل آمد تا هرچه زودتر این موضوع فیصله شود و این یک خدمت مهم از نگاه مؤظفیت و مسئولیت ملی شمرده میشود.»

انجنیر اکبر رضا بعد از اشاره به حکمیت گولدسمید، یاد آور میشود: «در سال 1905 حکمیت مکماهون در سیستان و چخانسور صورت گرفت. این جنرال انگلیسی فیصله کرد که یک سوم مقدار آبی که به بندر کمال خان میرسد، باید به ایران تحویل داده شود و اگر ضایعات را از بندر کمال خان تا سرحد را شامل آب سازیم، پس مقادیر آب یک سوم نیست، بلکه تقریباً یک ششم دیگر نیز بر آن اضافه میشود که مقدار آن در حدود 96 متر مکعب فی ثانیه میشود. البته حکمیت مکماهون از طرف امیر حبیب الله خان شهید به دلیل ماده پنجم رد گردید. در سال 1315 ش حکومت کابل تحت صدارت محمد هاشم خان با نصف نصف که سهم ایران به 123 متر مکعب فی ثانیه می شد، موافقه کرد، اما شورای ملی افغانستان آنرا رد کرد و قرارداد از اعتبار ساقط شد. در معاهده 22 حوت 1351 ما به ایران در سال نورمال و سالهای سیل آبی یک هشتم را میدهیم و در سالهای خشک سالی مقدار آب به تناسب ریکاردهای خشک سالی تقلیل می یابد و تقریباً به یک بر سیزدهم آب هلمند را به ایران می دهیم که به این اساس ماحق افغانستان را به حیث مالک هلمند تثبیت کردیم و تنها یک مقدار معین آب را برای ایران دادیم که 26 متر مکعب فی ثانیه در سال نورمال و در سال سیل آب است و با این ترتیب آنها در مورد آب هلمند دیگر شریک ما نیستند. (برگرفته از کست آدیوئی مصاحبه زنده با انجنیر میر محمد اکبر رضا، منتشره رادیو 24 ساعته، به گرداندگی فریده انوری و مینا کرباسی، مورخ 8 می 1998 م که از شمال و جنوب کالیفورنیا پخش گردید،)»¹

تبصره من به ارتباط پاسخ انجنیر میر اکبر رضا:

در افغانستان معمول است که اگر یک پروژه یا یک قرارداد ساختمانی، دارای نواقصی باشد و مورد انتقاد قرار گیرد، مسئول پروژه ساختمانی، سعی میکند با هزار و یک دلیل اقدامات خود را موجه جلوه دهد تا طرف منتقد را قناعت داده باشد. استدلال انجنیر میر محمد اکبر رضا، نیز از این گونه استدلال ها است آنجاکه میگوید: «به دلیل اینکه ایران مملکت دارا [غنی] بود، میتواندست که سطح کشت خود را در سیستان بیشتر توسعه دهد و در این حال آب زیاد را مصرف کند و حق اولیت استعمال آب را برای سیستان ادعا کند که باز ما نمیتوانستیم در هیچ محکمه بین المللی اقامه دعوا کنیم و نمیتوانستیم با کم کردن مقدار آب حیات یک کتله بشری را که زندگی شان به آن آب بسته بود، از این حق محروم سازیم.» [از مقاله داکتر کاظم]

یقین دارم که انجنیر رضا سوابق موضوع آب هلمند را خوانده است و حتماً گزارش های محرمانه وزارت خارجه را از نمایندگی سیاسی آن به ارتباط تعامل ایران با همسایگانش، بخصوص موضوع آب رودخانه های «دیاله» و «کنجیر» ایران را که به خاک عراق میریزند، دیده است.

در سال 1326 که افغانستان با خشک سالی رودخانه هلمند وشکایات ایران مواجه شد، وزارت خارجه افغانستان با توجه به اهمیت مسئله تقسیم آب هلمند در صدد برآمد تا در مورد طرز العمل و تعامل

¹ - داکتر کاظم، بر رسی تحلیلی معاهده آب هلمند.....، افغان جرمن آنلاین، بخش 13

کشورهای دیگر در موارد مشابه با معضله ایران و افغانستان به کسب معلومات بپردازد. وزارت امور خارجه افغانستان به نماینده گی های سیاسی خویش در خارج در رابطه با جمع آوری معلومات در این خصوص دستور داد و در نتیجه دو گزارش ذیل نشان داد که ایران درین رابطه رعایت حال همسایگان دیگر خود را نداشته است.

وحید مزده مؤلف کتاب «تاریخ روابط افغانستان و ایران» در جمله اسناد مربوط به آب هلمند یکی دو سند محرم از نمایندگی های دیپلماتیک افغانستان در اردن به ارتباط طرز العمل ایران با عراق و قطع نمودن آب را بر مردم عراق که در گذشته از رودخانه های ایران بهره مند میشدند، نقل کرده است که برای جانب افغانی بسیار پراهمیت است و باید در هنگام بحث روی تقسیم آب هلمند با ایران به آنها توجه مبذول شود. آن اسناد را وحید مزده² چنین اقتباس میکند:

« نامه نمبر 22/383/302 مورخ 1326/8/3 »

وزارت مختاری دولت شاهی افغانستان در شرق اردن

خاص و سری

موضوع ادعای ایران بر دریای هلمند

ع.ج.س علی محمدخان وزیر صاحب امور خارجه!

احتراماً به جواب مکتوب نمبر 1043 مورخه 26/7/4 شعبه اول مدیریت عمومی سیاسی محترم وزارت جلیلیه امور خارجه در باب ادعای دولت ایران بر دریای هلمند افغانی عرض میشود که این موضوع در جراید عراق هیچ مورد بحث نشده است اما مانند اختلاف ما، در بین دولت عراق و دولت ایران نیز اختلاف موجود میباشد. مدیر عمومی آبیاری دولت عراق شفهاً چنین بیان نمود که دو دریا که یکی مشهور به (دیاله) و دیگری مشهور به (کنجیر) است، از مملکت ایران به عراق آبریزی میکنند و از ابتدای غیر معلوم تا این اواخر قسمت بزرگ اراضی شرقی و شمالی و جنوب شرقی تاحدود شهر بغداد پایتخت مملکت عراق را آبیاری میکردند ولی اکنون ایرانیها قسمت بزرگ آب دریاهای مذکور را جهت آبیاری اراضی وسیع و جدید التعمیر حدود غربی مملکت خود تصرف کرده اند و در موسم ضرورت آب و قلت آن، آب دریاهای مذکور را چنان میگردانند که قطره ئی از آن به مملکت عراق نمیرسد و به آن سبب در موسم بی آبی، اراضی مزروعی وسیع و باغها و بوستانهای مردم عراق تلف میشود خصوصاً زراعت و بوستانها و باغهای ولایت مندلی مملکت عراق که قبلاً با آبیاری آب دریای کنجیر معمور و آبادان بود و فواکه و حاصلات آن شهره آفاق بود و از آن برای ملت و دولت عراق میلوونها پوند حاصلات عاید میشد اکثراً تباه شده اند. امروز عراقی ها از آبیاری دریا های مذکور در اکثر قسمت ها فیصد چهل و در بعضی قسمتها فیصد ده مستفید نمی باشند و همه ساله میلوونها پوند خساره مند هستند.

حتی ایرانی هادر قدیم با آنکه به آب دریاهای مذکور احتیاج نداشته آب دریاهای مذکور را تصرف

2 - وحید مزده، چهره آشنا برای رسانه های افغانی، اصلاً پنجشیری است ولی چون در بغلان درس خوانده، در آغاز جوانی در حزب اسلامی گلبدین حکمتیار جذب شده بود و بعد یکی از فعالان حزب اسلامی بشمار میرفت. در دوران حاکمیت طالبان (که دشمن حکمتیار و مسعود بودند) بصورت تعجب انگیزی بحیث کارمند صاحب صلاحیتی در وزارت خارجه طالبان ظاهر شد. در همین دوران او برآرشف اسناد دیپلماتیک افغانستان و ایران دسترسی یافت، او برویت این اسناد بعداً کتابی زیر نام «تاریخ روابط سیاسی افغانستان و ایران» نوشت که در سال 2010 در پورتال افغان جرمن آنلاین به نشر سپرد. در اینجا این سوال در ذهن خظور میکند چه کسی آقای مزده (منسوب به حکمتیار یا مسعود) را بر شانه طالبان (که دشمن هر دو بودند) سوار کرد؟

میکردند و عراقی ها را بی آب و خساره مند میساختند. حتی زمانیکه دریاب های مذکور با دولت امپراتوری ترکیه عثمانی معاهده بستند که در آن موقع عراق جزو امپراتوری عثمانی بود، باز هم در آب دریاها دست اندازی میکردند و اگر تهدید امپراتوری عثمانی را یقیناً احساس میکردند، قوت و قدرت عثمانی را دلیل می آوردند و به دولت انگلیس و دولت زار روس استغاثه میبردند و مداخله و حکمیت شانرا استرجاع مینمودند. وقتی دول مذکور کمیسونهای خود را می فرستادند، آنها دل پر خون عراقی ها را نمی دیدند و از هیاهوی آنها جانبداری میکردند و قراری می گذاشتند همان آش همان کاسه. به تجاوزکاری و حق تلفی می پرداختند. وقتی دولت امپراتوری عثمانی منقرض شد و مملکت عراق مجزا گردید و دولت حاضر عراق تشکیل شد، دولت انگلیس میان دولتین عراق و ایران در باب آب دریا حکمیت نمود و قراری گذاشت اما دولت ایران بعد از اینکه از حدود غربی مملکت خود امارت شیخ خزعل را برطرف کرد و نفوس آورد و در مناطق مذکور ساکن ساخت و بغرض تامین زنده گی آنها به عمران اراضی بایر بی نهایت وسیع حدود مذکور آغاز کرد بار دیگر موافقات قبلی را زیر پا نهاد و آب دریا های مذکور را برای آبیاری اراضی جدید حدود مذکور تصرف نمود و عراقی ها را بی آب و خساره مند ساخت.

هر قدر که عراق بر اساس اسناد حقوقی خود دادخواهی نمود و بادولت ایران گفتگو و مذاکره کرد فایده حاصل نگردید. ایرانی ها هیچ اعتنائی نکردند و جواب دادند که اگر مملکت ایران در قدیم به آب دریاها ضرورت نداشته و گذاشته که به مملکت عراق برود اکنون این امر دلیل ادعای حقوقی دولت عراق شده نمی تواند. امروز نفوس ایران زیاد شده و دولت ایران مجبور است که برای تامین زنده گانی ملت خود اراضی لامزورع مملکت خود را آباد و با آب دریا های مملکت خود آبیاری کنند و اگر آب اضافه ماند که ضرورت ملت ایران نباشد گذاشته میشود که به مملکت عراق برود والاخیر. اکنون دولت عراق خاموش شده و مردمان مسکون در آن حدود با آب باران یا از آب دریا های مذکور یا قنات ها به پیمانه قلیل کشت و زرع مینماید البته در زمان فراوانی و عدم ضرورت ایرانی ها آب دریا های مذکور به عراق میآید و فصل های که در آن موسم ممکن است آبیاری میکند. ³»

11 عقرب 1326

وزارت مختاری دولت شاهی افغانستان در شرق اردن

خاص و سری

موضوع ادعای دولت ایران بردریای هلمند افغانی

ع.ج.س: محترم علی محمدخان وزیر صاحب امور خارجه:

احتراماً به تعقیب مکتوب 383/302 مورخه 26/8/3 این وزارت مختاری عرض میشود که آقای قزاقچی نایب الحکومه سابق ولایت کردستان عراقی اکنون نایب الحکومه ولایت کوت کردستان عراق است در ضمن صحبت خود بیان نمود که تقریباً 20 عدد دریاچه ها و شیله های مملکت ایران هستند که قبلاً آبهای شان به ولایت کردستان عراقی میآمدند و اراضی وسیع حدود سرحد کردستان عراقی را آبیاری میکردند و با زراعت اراضی و آبیاری مذکوره زنده گانی چندین هزار مردم کردی عراقی تامین میشد. اکنون به سببی که ایرانی ها آبهای دریاچه ها و شیله های مذکور را کاملاً بطرف خود گشتانده اند و اراضی جدید الزراعت وسیع مملکت خود را آبیاری میکنند، از این رو اراضی

³ - .وحدید مژده ، روابط سیاسی افغانستان و ایران- بخش سوم- سال 2010 افغان جرمن آنلاین

مزروعی قدیمی حدود ما کاملاً لم یزرع و خشك و بایر شده اند و از این رهگذر خسارهء زیادی برای مردم حدود مملکت ما و دولت ما عاید گردیده است.

دولت عراق مطابق حقوق اخلاقی و همجواری و متعاهدی باحکومت ایران گفتگوی زیاد نمود ولی حکومت ایران جواب داد که اکنون نفوس ما زیاد شده و مجبوریم برای تامین زندگانی نفوس خود آب مملکت خود را تصرف نمائیم. اگر سابق آبهای مملکت ایران به مملکت عراق می ریختند و یا دولت ایران به موجب معاهده متعهد شده بود که آب خود را به مملکت عراق بدهد سببش این بود که دولت ایران درین حدود مملکت خود قبلاً نفوس نداشته و به این سبب به آب مملکت خود ضرورت نداشت. اکنون که نفوسش زیاد شده و به آب مملکت خود ضرورت زیاد پیدا کرده مجبور می باشد که اول از آب مملکت خود مستفید شود و اگر اضافه ماند بنام حقوق اخلاقی دیگری رامستفید سازد. چون آب مملکت ایران فعلاً برای تامین احتیاجات خود ملت ایران کفایت نمیکند مطمئن نیست که برای مملکت عراق داده شود و لو اینکه ملت عراق حقوق اخلاقی و همجواری و متعاهدی را از قدیم صاحب باشند.

با وجود اینکه در حقوق بین المللی مذکور است، دولتی که آب مملکت او به مملکت دیگری می رود و به آب مملکت او در مملکت مذکور سبب تأمین زندگی مردم شده و قرار معاهده میباشد که از فلان حدود دریای خود فلان قسمت آب خود را بنام حسن همجواری برای مملکت محتاج الیه بدهد ولی بعداً به سبب کثرت نفوس ملت خود مجبور گردد که جهت تامین حیات نفوس خود در همان حدود متعاهد، اراضی جدید را مزروعی بسازد و یک قسمت آب متعاهدی خود را تصرف نماید و بکار خود ببرد البته حق دارد که بهره برداری کند اما بقدری که دولت محتاج الیه را بکلی از آب خود محروم نسازد اما دولت محتاج الیه قطعاً حق ندارد حتی به سبب کثرت نفوس خود، یک وجب اراضی طرف خود را جدیداً قابل الزراعة بسازد و از آب بیشتر استفاده نماید. باید دولت محتاج الیه بقدری از حقوق اخلاقی و همجواری خود و بصورتی از حقوق متعاهدی خود را مستفید گرداند که دولت صاحب آب آزرده و ناراض نگردد و تکلیف احساس نکند و مجبور نگردد که از حقوق اخلاقی او چشم پوشی نماید و دولت مذکور رابی آب کند. فلذا ایرانی ها در موسم ضرورت آب یک قطره آب بما نمی دهند که آنرا گنجشک ما بنوشد. این بود معلومات که نایب الحکومه موصوف بما داد که برای مزید معلومات برای جلالتمآب فوقاً عرض شد. بالاحترام»⁴

یقین دارم که انجنیر رضا سوابق موضوع آب هلمند را خوانده است و حتماً گزارش های محرمانه فوق الذکر وزارت خارجه را از نمایندگی های سیاسی آن به ارتباط تعامل ایران با همسایگانش، بخصوص موضوع آب رودخانه های «دیاله» و «کنجیر» ایران که به خاک عراق میریزند، دیده است.

سوال من از میر اکبر رضا این است که آیا این نامه های سری را خوانده و به این گزارش ها باور کرده بودند یا خیر؟ اگر باور کرده اند، چرا روح مسأله را در مواد معاهده هلمند جای نداده است؟ ولی از توسعه اراضی زیرکشت در سیستان ابراز نگرانی میکند و دولت و مردم را میترساند؟

مگردولت افغانستان در نظر ندارد تا بعد از اكمال بندکمال، اراضی ای که جدیداً تحت آبیاری قرار میگیرند، به مردمان بی زمین و مهاجرین عودت کنند از کشورهای همسایه و دهقانان کم زمین و جوانان دربدر بدنبال کارتوزیع کند و با اسکان عودت کنندگان و افراد بیکار و فقیر کشور، جلو مهاجرتها گسترده را بگیرد؟ انجنیر رضا می باید در نظر می گرفت که افغانستان، ممکن است یکروز قادر به اعمار بند های آبگردان در گرمسیر و دیشو و بند کمالخان و بند سرشیله (شیله چرخ) و دیگر بندهای آبگردان برای زراعت و کشاورزی در نیمروز گردد و ده ها هزار دهقان بی زمین

4 - . و حید مژده، روابط سیاسی افغانستان و ایران- بخش سوم- سال 2010 افغان جرمن آنلاین

خود ولایت نیمروز و افراد بیکار سایر ولایات را در زمین های صالح زراعه در این پروژه ها اسکان بدهد و خیلی دور نخواهد بود که ضرورت آب هلمند در نیمروز در حدی بالا برود که مجبور باشد اول غم مردم نیمروز خورده شود و بعد غم سیستان ایران. یعنی همان روشی را در پیش گیرد که ایران در برابر عراق در پیش گرفته است.

ایران آب رودخانه های «دیاله» و «کنجیر» که قبلاً به مردمان عراق آب میرساندند، بعد از آنکه نزاکت های سیاسی با عراق پیدا نمود، مردم خود را در دو طرف آن رودخانه ها مسکون ساخت، و آب هر دو رودخانه را به سوی عراق محدود کرد و شکایات عراق تا ملل متحد بالا گرفت، ولی ایران به این دلیل که قبلاً به آب این دو رودخانه ضرورتی نداشته ولی امروز مردم مسکون در دو طرف این رودخانه در ایران به آب نیاز دارند، هر وقت که از نیاز مردم ایران اضافه تر آب موجود باشد، از عراق دریغ نخواهد شد، با چنین استدلالی ملل متحد را قانع ساخت.

افغانستان در استفاده از آب های رودخانه های داخلی خود همان حقی را دارد که ایران و ترکیه برای خود قایل اند. ترکیه با استفاده از حق حاکمیت ملی بر رودخانه های دجله و فرات که از داخل آن کشور منبع گرفته و در قلمرو آن جریان دارد 22 بند آبگردان و 19 پروژه برای تولید برق و استفاده آبیاری اراضی، اعمار کرده است که در مجموع به آنها "پروژه آناتولی جنوب شرق" (یا مخفف ترکی آن گاپ) نام داده است. (رک: آیا سد سازی ترکیه روی رودهای منطقه ای دجله و فرات قانونی است؟ بی بی سی فارسی، نویسنده بهمن آقایی، متخصص حقوق بین الدول)⁵

در این اواخر دولت ایران طرح تغییر مسیر رودخانه زاب از کردستان عراق را به دریاچه ارومیه آذربایجان زیر دست گرفته است. این رودخانه از ارتفاعات شمال غرب کردستان ایران سرچشمه میگیرد و پس از طی کردن مسیری کوتاه در ایران وارد عراق و سد دوکان در آن کشور می شود.

بی بی سی زیر عنوان "**ظرفیت تغییر مسیر رود زاب برای ایجاد تنش مرزی**" در مقاله پی از قلم آرزو میرزاخانی، که در تاریخ 13 سپتامبر 2017 به نشر رسیده از قول «وزیر کشاورزی و منابع آبی اقلیم کردستان عراق نوشته است: "ایران در اعتراض به همه پرسی استقلال کردستان عراق آب رود "زاب" را قطع کرده است". همین عضو کابینه اقلیم کردستان همچنین ادعا کرده بود حتی در اولین مراحل اجرای پروژه پیش گفته، قطع ورود زاب به این منطقه "زندگی ۸۰ هزار ساکن شهرستان قلعه دزه در استان سلیمانیه در کردستان عراق را با تأثیرات منفی روبرو کرده است".

این اولین واکنش رسمی دولت اقلیم کردستان به شمار می رود که شاید این واکنش در آستانه برگزاری رفراندوم استقلال در این منطقه و مخالفت صریح دولت ایران با آن، معنادار باشد. آنچه که در پی می آید مروری کوتاه بر ماجرای انحراف مسیر زاب و بررسی ظرفیت احتمالی تبدیل آن به یک منازعه مرزی.

برای نخستین بار دو سال پیش توجه مسئولان ایرانی به انتقال آب از رودخانه زاب به دریاچه ارومیه جلب شد. یکی از پر آب ترین رودخانه های ایران که از گردنه اسداباد در مغرب کوه الوند سرچشمه میگیرد و از مشرق به مغرب تا سرحد عراق جاری است و از تنگه های باریک راهی برای خود حفر کرده، از کوه شاهو و کوه کله سر میگذرد و پس از چرخش به طرف جنوب غربی، سرانجام به دجله می رسد. تغییر مسیر زاب یکی از طرح های دولت ایران برای احیای دریاچه ارومیه بوده که در دولت روحانی به عنوان یکی از مهمترین وعده های ایشان پیگیری و اجرا شد... آیا مقام های ایران در

⁵ <http://www.bbc.com/persian/iran-features-40873230>

نظر ندارند که رودخانه زاب اهمیت بسیاری برای اقلیم کردستان عراق دارد و با بسته شدن آن امکان هر گونه رایزنی با مقامات اقلیم کردستان عراق بر سر گردوغبار از بین خواهد رفت؟ از جهتی دیگر، ایران همواره به ساخت سد ایلیسیو و آتاتورک در ترکیه و ممانعت این کشور از ورود آب رودخانه فرات به عراق و بعد به ایران اعتراض داشته است. ناصر کرمی، اقلیم شناس، در یادداشتی در رابطه با این سدها و مشکلات پیش روی ایران گفته است: "در ترکیب با اثر سد آتاتورک روی رودخانه فرات، (با ظرفیت ۴۸ میلیارد متر مکعب) عملاً با احداث سد ایلیسیو بین النهرین باید با چشم انداز تاریخی‌اش وداع کند. مسئله فقط این نیست که ترکیه افزون بر نیمی از حبابه تاریخی این سرزمین را تصاحب می‌کند، بلکه اقلیم هم سر ناسازگاری داشته و دست کم باعث بیست درصد کاهش در بارش‌های سالانه این منطقه شده است."⁶

نویسنده می‌افزاید: این خطر وجود دارد که اقدام دولت ایران، پیامدهای سنگینی چه از لحاظ دیپلماتیک و چه از لحاظ زیست محیطی برای این کشور به دنبال داشته باشد. نکته این است که اگر تحولات سیاسی آینده کردستان عراق به گونه‌ای باشد که موجب فاصله گرفتن دولت این منطقه از جمهوری اسلامی ایران شود آن وقت رودخانه زاب می‌تواند به بهانه‌ای برای یک کشمکش مرزی تبدیل شود. همپرسی استقلال و عواقب احتمالی آن می‌تواند باعث تیره شدن روابط دو طرف و کاهش تعامل این دو دولت شود. احتمالاً یکی از در دسترس‌ترین بهانه‌ها همین پروژه تغییر مسیر زاب خواهد بود. پروژه‌ای که متضررین آن اتفاقاً در هر دو سوی مرز هستند.⁷

نقاط ضعف وقوت معاهده آب هلمند:

من به عنوان یک سیستانی (اهل نیمروز) که رنج مردمان محل را در خشکسالی‌های و ترسالی‌ها (سیلابها) دیده‌ام، یکی از علاقمندان حل عادلانه آب هلمند با جانب ایران بودم و استم، ولی وقتی که متن معاهده را مطالعه کردم برخی مواد آن به نظر من به ضرر منافع ملی معلوم می‌شود. بگونه مثال:

1- در ماه فبروری = دلو (اسفند) که ضرورت به آب در نیمروز به اوج خود میرسد، مطابق معاهده اخیر از جمله ۲۰۸ هزار ایکرفیت آب رودخانه هلمند، برای ایران ۱۶۲۹۸۰ ایکرفیت آب در نظر گرفته شده است، و برای افغانستان صرف ۴۴۵۲۰ ایکرفیت آب. یعنی در مهم‌ترین فصل زراعت و آبیاری که ماه دلو است، برای ایران چهار چند آبی در نظر گرفته شده که در بند کمالخان یعنی دلتای هیرمند وارد می‌گردد. اگر شک نکنیم که هیئت افغانی هنگام تنظیم مواد این معاهده [مثل آقای کرزی] از جانب ایران تطمیع شده باشند، این بی توجهی و بی مبالاتی نسبت به حقوق طبیعی و ثروت ملی کشور را چگونه میشود توجیه و تفسیر نمود؟

2- رودخانه هیرمند از منبع خود کوه در بابا تا بندکوهک که نقطه آغاز تقسیم آب هیلمند است، بطول 1200 کیلومتر در خاک افغانستان جریان دارد و از بند کوهک ببعد رودخانه بطول پنجاه کیلومتر مرز مشترک را تشکیل میدهد. طبیعتاً ایران اگر به آب این رودخانه حق و ادعای داشته باشد، بایستی از اولین نقطه‌ای که هلمند، مرز مشترک دو کشور را می‌سازد یعنی بند کوهک (یا از جایی که هلمند وارد دلتای خود میشود، یعنی بندکمالخان) می‌باید در آب رودخانه مستحق پنداشته میشد، مگر بر مبنای معاهده ۲۲ حوت ۱۳۵۱ (مارچ ۱۹۷۳) تقسیم آب میان ایران و افغانستان به ایران حق داده شده تا هر وقتی که بر میزان آب وارد در مرز مشترک یعنی در محل پایه‌های ۵۱ و ۵۲ مرزی

6-رک: به لینک زیر در بی بی سی فارسی :

<http://www.bbc.com/persian/iran-features-41227622>
<http://www.bbc.com/persian/iran-features-40873230-7>

اعتراض داشته باشد، (برطبق پروتوکول شماره یک پیوست معاهده) ماموران خود را برای کنترل مقدار آب رودخانه هیلمند در منطقه دهرآود، پنجصد کیلومتر بالای تر از دلتای هیرمند، در مرکز افغانستان مورد تفتیش و کنترل خود قرار بدهند و بعد از بررسی و برآورد میزان آب در دستگاه آبشناسی دهرآود، گزارش مقدار آب را به مقامات دولت متبوع خود ارائه کنند. در حالی که به افغانستان در این معاهده چنین حقی داده نشده تا ساحه کشاورزی سیستان از شعب رودخانه هیلمند را ملاحظه کند و در صورتی که آب هلمند به ولایت دیگری انتقال داده شده باشد و یا در چاه نیمه ها ذخیره شده و مانع رسیدن به تلابهای هامون گردیده باشد، به دولت خود گزارش بدهد. این موضوع پس از امضای معاهده اب هلمند از سوی ناظران سیاسی افغان ناقض تمامیت ارضی کشور ارزیابی شد و برضد آن مظاهرات وسیعی براه افتاد. من فکر نمیکنم که تمام مخالفان امضای قرارداد آب هلمند، منسوب به جریانهای چپ یا راست سیاسی بودند و خدا ناخواسته همه بد و خرابی افغانستان را میخواستند؟!

3- دولت ایران جهت کاهش زیانهای ناشی از شرایط خشکسالی، با احداث چهار گودال مصنوعی بنام "چاه نیمه" های زابل هریک با حجمی معادل 820 میلیون متر مکعب آب) توانسته میلیاردها متر مکعب آب هلمند(هیرمند) را در این چاه نیمه ها ذخیره کند تا از آنها در مواقع خشکسالی و نیز در رساندن آب به شهر زاهدان و یا شهرهای دیگر استفاده نماید. در سال 2004 دولت ایران چهارمین چاه نیمه را با صرف هشتاد میلیون دالر در پهلوی چاه نیمه های قبلی احداث نمود که 820 میلیون متر مکعب آب ظرفیت دارد.



تصویری از چاه نیمه چهارم در نزدیک زابل

4- ایران در سال 1998 میلادی با کشیدن یک لوله آبرسانی چهل انچه بطول دوصد کیلومتری از رودخانه هلمند تا شهر زاهدان مرکز ولایت سیستان و بلوچستان کشید و از 1999 تا امروز به یک میلیون ساکنان زاهدان آب شیرین هیرمند را توزیع میکند، و در بدل آن از هر متر مکعب آب از مردم پول میگیرد، حال آنکه در اجرای چنین پروژه ای خارج از مفاد معاهده آب هلمند هیچگونه موافقت کتبی یا شفاهی از دولت افغانستان را بدست نیاورده است. شنیده ام که ایران در نظر دارد پروژه دوم آبرسانی از سیستان به کرمان را که پنجصد کیلومتر طول دارد عملی کند و ممکن است در حال عملی کردن باشد.

5- ایران با امکانات اقتصادی ای که دارد برای مشروب کردن سیستان و همچنان شهر زاهدان از آب رودخانه هلمند بهره میگیرد. و برای این منظور در حدود 100 دستگاه واترپمپ 16 تا 24 انچه را در طول رودخانه در نیمروز از بندکمال خان تا بند کوهک نصب کرده و با فشار هرچه بیشتر آب رودخانه هلمند را بالا میکشد و به چاه نیمه های زابل میریزد و بعد بوسیله لوله چهل انچه به شهر زاهدان میرساند؛ بدون آنکه خود را پای بند معاهده آب هلمند توافق شده حوت 1351 بشمارد. حکومت های افغانستان بعد از سقوط داودخان، چنان ناتوان و دچار کشمکش منطقه پی و گروه های شورشی داخلی بودند که هرگز نتوانستند پاسخ اضافه طلبی های ایران و پاکستان را بدهند. در دوران ریاست جمهوری حامدکرزی برای اولین بار مهر رشوت گیری برپیشانی رئیس جمهور افغانستان زده شد و **کرزی « بدون خجالت از ملت و تاریخ این کشور، به گرفتن این رشوت اعتراف کرد؟! »** و سازمان ملل متحد هم بخاطر این "شهامت؟ ضد شرافت و عزت افغانی او" درگرفتن خریطه های رشوت از سفارت ایران، مقام درجه دوم فساد در جهان را به نام نامی حامدکرزی ثبت کرد.

6- تحلیلگران افغان بدین باورند که: پادشاه افغانستان فقط چهار متر مکعب درثانیه برحقابهء ایران به عنوان حسن نیت افزوده و در جدول نیز سهمی که براساس حسن نیت داده شد مشخص است. **هرزمانی که افغانستان یقین حاصل نماید که ایران دست به اقداماتی حاکی از عدم حسن نیت علیه این کشوری زند، میتواند سهمیه ایران را چهار مترمکعب درثانیه کاهش دهد.**

وزیر انرژی و آب (اسماعیل خان) [که در رسانه فیسبوک از او به عنوان دشمن درجه یک «بند سلما» یاد شده⁸، روز 20 ماه می 2010 در جلسه توضیحی ولسی جرگه در مورد اعمار بندکمال خان در نیمروز صد دل در یک دل نهاد و از ایران لب به شکایت گشود وگفت: «ایران برطبق معاهده 1351 تقسیم آب هلمند، 26 مترمکعب فی ثانیه حقابه دارد، ولی اکنون با نصب 75 پمپ استیشن آب برهلمند از محل بند کمالخان تا بند خوابگاه تخمین یکصد متر مکعب آب در ثانیه می برد که خلاف معاهده مذکور و تمام نورم های بین المللی است.» (تلویزیون آریانای بیات شام 2010/5/20)

7- با یک حساب سرانگشتی میتوان دریافت که افغانستان به ایران علاوه بر 22 مترمکعب حقابه [براساس نظر کمیسیون بیطرف مصب رود هلمند در 1950]، در هرثانیه چهارمتر مکعب آب به سایقه حسن نیت و برادری، از رودخانه هلمند میدهد. مقدارآبی که از روی حسن نیت به جانب ایران تحویل داده میشود، در یک دقیقه 240 مترمکعب و در یک شبانه روز (345/600 مترمکعب) و دریک سال 365 روز (144,000، 126 مترمکعب) و درمدت 45 سال بعد از امضای این قرارداد در 1972 تا سال 2017، مجموعاً (667,000,328، 5 متر مکعب آب) میگردد که مفت و رایگان به ایران داده میشود. بنابراین اگر قیمت یک متر مکعب آب یک دالرمحاسبه شود، درحقیقت ایران تا کنون به میزان پنج میلیارد و 667 میلیون و 328 هزار دالر آب از افغانستان به عنوان حسن نیت و برادری برده است. چرا باید نسبت به این سرمایه های طبیعی کشور خود که سرمایه ملی ماست اینقدر بی تفاوت باشیم؟ آیا ایران حاضرخواهد بود تا از آن همه ثروت طبیعی فروان نفت خود به کشور ما یک ملی متر نفت فی ساعت مجانی بدهد؟ هرگز!

8- البته این معاهده این خوبی را دارد که حقابه ایران را مطابق فقره 198 گزارش هیئت بیطرف مصب رود هلمند چنین تعیین کرده است: «ضرورت فعلیهء آب سیستان 556 هزار ایکرفنت (معادل اوسط جریان ماهوار 22 مترمکعب درثانیه)». و براساس «حسن نیت» 4 مترمکعب فی ثانیه بر

⁸ در سال 1360 دشمنان آبادی و سربلندی افغانستان، انجینر غلام دستگیر معاون پروژساختمانی بند برق سلما را همراه با رئیس بند انجینر غفور و 45 نفر دیگر از انجینران و مامورین اداری آن پروژه را همزمان بیرحمانه سوختاندند، از جمله شان پنج نفر انجینردرهمان روز شهید و متباقی بعد از ماهها و سالها تداوی هنوز معیوب و معلولند. منبع: فیسبوک، 27 جولای 2015 Chawesh Yahya

حقابه جانب ایران افزود شده است. و هرزمانی که از جانب ایران حرکتی بظهور برسد که این «حسن نیت» را خدشه دارسازد، میتوان این چهارمتر مکعب آب فی ثانیه را از حقابه ایران کاهش داد.

و در ماده پنجم معاهده 22 حوت 1351ش تصریح شده است که: «ایران هیچگونه ادعائی بر آب هلمند (هیرمند) بیشتر از مقادیریکه طبق این معاهده تثبیت شده است، ندارد. حتی اگر مقادیر آب بیشتر در دلتای سفلی هلمند (هیرمند) میسر هم باشد و مورد استفاده ایران هم بتواند قرار گیرد.»

* * *

یکی از نکات مهم دیگر مقاله داکتر کاظم، موضوع «پایه های حقوقی معضله آب دریای هلمند» است که در بخش شانزدهم به آن پرداخته است، خواندن این بخش را به همه خوانندگان ارجمند توصیه میکنم. ناگفته نماند که استاد کاظم فشارهای وارده از جانب ایران را نیز از نظر دور نداشته و در بخش هفدهم به این موضوع چنین اشاره میکند: «اگر ایران فکر کند که این امتیاز [گرفتن آب بیشتر] را در بدل حق استفاده از بندر چاه بهار و استفاده از حق ترانزیت از آن کشور به نحوی به تبادل بکشد، معنی توسل به فشار را میدهد، فشاری که با روحیه حقوق بین الدول منافات دارد، در غیر آن اگر بخواهد در تخریب بندها و انهار افغانستان بوسیله گماشتگان خود اقدام کند، این عمل شان واضحا یک عمل تروریستی محسوب میشود و اگر با این فشار بخواهد زمینه مفاهمه را در باره سه حوزه آبی دیگر افغانستان که بسوی ایران جریان دارد، آغاز کند، این موضوع را میتوان با پیشنهاد منطقی و دوستانه ارائه کرد، نه با تهدید و لحن آمرانه. اظهارات اخیر رئیس جمهور روحانی چنان وضعیتی را اکنون بین مردم افغانستان خلق کرده که اگر کابل در آینده در یک مذاکره احتمالی در مورد آب دیگر دریاهای خود با جانب ایران انعطاف نشان دهد، افکار عمومی افغانستان آنرا نمی پذیرد. طور معلوم ایران و افغانستان چهار یا پنج حوزه های آبی مشترک دارند که در مورد یکی از این حوزه های آبی یعنی آب دریای هلمند 44 سال قبل دو کشور یک قرارداد امضا کرده اند که از نظر حقوقی برای همیشه مدار اعتبار است و هیچ یک از دو کشور حق ندارد آنرا بطور یک جانبه لغو نماید.»⁹

بنابراین پیشنهاد میشود تا دولت افغانستان از وجود داکتر صاحب کاظم در مذاکره بر موضوع معاهده آب هیرمند برای دفاع از منافع ملی استفاده کنند. به امید سلامتی و موفقیت های بیشتر داکتر کاظم

پایان

⁹ - داکتر سید عبدالله کاظم، افغان جرمن آنالین، بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب هلمند... (بخش 17)